

جایگاه امام علی (ع) در آرای کلامی اسماعیلیه

فاطمه جان احمدی*

چکیده

توافق بر سر جانشینی علی (ع) موضوع مشترک همه فرق شیعی است و شاخص تفکر شیعی انقیاد در برابر ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است. در میان فرقه‌های شناخته‌شده شیعه اسماعیلیان قرائتی متفاوت از جایگاه امام علی (ع) در سلسله‌مراتب ائمه دارند. جایگاه ممتاز و متفاوت امام علی (ع) و گاه منحصر به فرد وی در سلسله‌مراتب ائمه اسماعیلیه یافت پاسخ این پرسش اساسی را ضروری کرده است که جایگاه علی (ع) در سلسله‌مراتب ائمه اسماعیلیه چیست؟ و این‌که تغییر و تطور جایگاه امامت علی بن ابی طالب (ع) در سلسله‌مراتب ائمه چه تأثیری بر سلسله‌مراتب ائمه اسماعیلیه به‌منزله هفت امامیان داشته است؟ دستامد این پژوهش، به شیوه مطالعات تاریخی، متکی بر منابع متقدم اسماعیلیه نشان داد که در منابع متقدم اسماعیلیه علی (ع) امامی است مخصوص که ضمن برخورداری از وصایت و وزارت نبی اکرم (ص) و دارا بودن مقام اخوت از مرتبه اساس، به‌عنوان عالی‌ترین رتبه در سلسله‌مراتب علوی، هم برخوردار است. در عقاید آن‌ها این مرتبه به‌همراه وصایت فقط مختص علی (ع) است و هیچ‌یک از امامان هرگز در این مرتبه قرار نمی‌گیرند. همین انحصار و این تغییر جایگاه در آرای متکلمان اسماعیلی همواره تابع تغییر بنیادین تفکرات کلامی ایشان بوده و همواره در زمینه تقویت مشروعیت فاطمیان کاربرست یافته است.

کلیدواژه‌ها: علی بن ابی طالب (ع)، اسماعیلیه — فاطمیان، مراتب امام، اساس، وصی، نص.

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه الزهراء (س)، janahmad2004@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۳

۱. مقدمه

قوام ایدئولوژی شیعه به جایگاه کاریزماتیک و بی‌بدیل علی بن ابی‌طالب (ع) بستگی دارد (ابن منصور الیمن، بی‌تا: ۶۴). جدایی مقام دنیوی خلافت از جایگاه معنوی امامت، که به روایت خلیفه دوم به سرعت و بی‌تدبیر در سقیفه رقم خورد (البلاذری، ۱۹۹۶: ج ۱، ۵۸۳؛ الیعقوبی، بی‌تا: ج ۲، ۱۵۸)، موجبات افتراق تشیع از پیکره مسلمانان صدر اسلام را فراهم آورد. گرچه ابتدا این جدایی به نظر افتراقی سیاسی توأم با موضع‌گیری مذهبی و روشی بود، اما کم‌تر از چند دهه، با موضع‌گیری‌های علی (ع) در عصر حکومتش، به جریانی مذهبی مبدل شد که منشأ آن اجتهاد و رفتارهای مذهبی، فقهی، و سیاسی علی (ع) و فرزندانش در ادوار بعد بود. دانسته است که تکوین شیعه مذهبی بر بنیادهای فقهی دیرزمانی تا عصر امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) به طول انجامید و پس از امام صادق (ع) در سال ۱۴۸ ق نیز در چرخشی مذهبی فرقه‌ای نویناد از تشیع با دعوی طرفداران اسماعیل بن جعفر صادق به نام اسماعیلیه، که ردای امامت را بر محمد بن اسماعیل افکندند، جدا شد (البلاذری، ۱۹۶۲: ج ۱۰، ۲۳۱). متأثر از رفتارهای امام صادق (ع) و اقوال ایشان در مراسم تدفین اسماعیل می‌توان خیزش فکری جماعت اسماعیلیه را هم عصر امام صادق (ع) دانست (المفید، بی‌تا: ج ۲، ۲۰۱)، زیرا مرگ اسماعیل پیش از پدر هم نتوانست به غائله دعای پیروان اسماعیل مبتنی بر نص او پایان دهد، لیکن از شدت اثر آن به سرعت کاست؛ زیرا نص موسی الکاظم (ع) هم پیروان بسیاری داشت (همان: ۲۰۲). این کاهش اقبال اسماعیلیه در آستانه مرگ محمد بن اسماعیل به درستی پیداست؛ زیرا پس از درگذشت محمد بن اسماعیل در سال ۱۶۹ ق بار دیگر اسماعیلیان نخستین دچار سردرگمی و افتراق مصداق امامت منصوص شده و به سه پاره تقسیم شدند. برخی محمد بن اسماعیل را امام قائم‌القیامه دانستند، مرگش را انکار کردند (التمیمی المغربی، ۱۴۱۴: ج ۳، ۳۰۹-۳۱۰)، و او را مهدی منتظر دانستند و برخی دیگر نص را بر فرزندش عبدالله نهادند و عده‌ای نیز با رجوع به موسی الکاظم (ع) بر اشتباه خود در پذیرش محمد در مقام امام اقرار کردند و او را امام حقیقی دانستند (همان: ۳۱۰-۳۱۱). از این پس تا سقوط دولت فاطمیان، اسماعیلیه بر سر مصداق امامت بارها افتراقاتی را تجربه کرد که می‌توان از میان آن‌ها به دروزیه، مستعلویه، نزاریه، طیبیه، آمریه، و حافظیه اشاره کرد.

به هر تقدیر موضوع سلسله امامان فاطمی تا اسماعیل بن جعفر نزد فرق شیعه اسماعیلیه دچار تشتت نیست، مگر در پذیرش مقام امامت علی (ع) و امام حسن مجتبی (ع) که به دلیل اهمیت موضوع هفت امامی و ترتیب ائمه در این مقاله به جایگاه امام علی (ع)

به تناسب ضرورت در آرای کلامی اسماعیلیه پرداخته خواهد شد. این ضرورت ناشی از آن است که به رغم شباهت‌های بسیار تفکرات ابتدایی اسماعیلیان و شیعیان اثنی عشری در باب مقام علی (ع) و سایر ائمه تا امام صادق (ع) (همان: ۲۹۱-۲۹۳)، حتی در فقه و مبانی اعتقادی می‌توان این افتراق کلی را در مقام علی بن ابی‌طالب (ع) در سلسله امامان جست‌وجو کرد. در میان فرق اسماعیلیه جایگاه علی (ع) یکسان تلقی شده است. همه فرق اسماعیلیه امام علی (ع) را منصوص و سرسلسله امامان می‌دانند (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۱۶)؛ اما پس از تکوین ساختار فکری اسماعیلیه و جدایی کامل از شیعیان دوازده‌امامی به منظور تدوین خودانگاره اسماعیلیه و قاعده‌بندی سلسله امامان و درنهایت یافت وجه اعتقادی برای موضوع هفت امامی (سبعه) جایگاه علی بن ابی‌طالب (ع) در این ساختار تبیین شده است (ابن منصور الیمین، بی‌تا: ۶۱؛ السجستانی، ۲۰۰۰: ۱۶۹ به بعد).

بدین منظور، مقاله حاضر در پی آن است تا با کاویدن منابع و با رویکردی توصیفی - تحلیلی به این سؤال اساسی پاسخ دهد که امام علی (ع) در سلسله مراتب ائمه اسماعیلیه از چه جایگاهی برخوردار است؟ و این که تغییر و تطور جایگاه امامت علی بن ابی‌طالب (ع) در سلسله مراتب ائمه چه تأثیری بر مراتب ائمه اسماعیلیه و نگره هفت امامیان داشته است؟ در پاسخ به این سؤالات فرضیه مطرح این است که: به نظر می‌رسد امام علی (ع) که در مرتبه امامت منصوص (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۱۲ و ۱۱۶)، وصایت، و وزارت قرار داشت (التمیمی المغربی، ۱۴۲۳: ۲۰۷) در آرای اسماعیلیه به جایگاه اساس تغییر منزلت و مرتبه داد. بدین ترتیب که دیگر مرتبه و جایگاه علی (ع) تنها رتبه امامت نبود، بلکه مقام وصایت رسول خدا (ص) و انتقال‌دهنده نص علم لدنی به دیگر امامان منصوص و هم‌چنین مقام اساس را، که بالاترین و بی‌بدیل‌ترین مقام امامت بلافصل نبی است، را دارا بود. یافت پاسخ این سؤال و آزمون فرضیه مطرح با شیوه توصیفی - تحلیلی از لابه‌لای اطلاعات منابع متقدم اسماعیلیه قابل‌بازرسی و استخراج خواهد بود.

۲. جایگاه امامت در آرای اسماعیلیه

موضوع امام و امامت یکی از اصلی‌ترین اصول اعتقادی شیعیان به‌طور عام و اسماعیلیان به‌طور خاص است. مطابق این اصل، امام یگانه جانشین مشروع رسول خداست (ص) و در مقام رئیس عالی‌تر در اداره امور مسلمین جایگاهی بی‌بدیل دارد (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۰۲). این جایگاه خطیر با نقش معنوی و مهم امام در تأویل و تفسیر معنای باطنی کلام پیوندی ناگسستنی دارد (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۶۶-۷۳). در عقیده و باور اسماعیلیان، امام از یک سو

معلم دین (ابن الولید، بی تا: ۶۶) و آگاه به رموز قرآن (رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۸-۲۴۹) و از دیگر سو حاکم عادل منصوب الهی است. به همین دلیل، در آموزه‌های شیعه به‌طور عام و در تفکر مذهبی اسماعیلیه به‌طور خاص امام نخستین و مهم‌ترین رکن دین به‌شمار می‌آید (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۷۰؛ ابن خلدون، بی تا: ۱۹۶). ائمه به‌طور خاص مرکز دائرة فرایض دینی هستند و سایر ارکان و فروع دین مانند طهارت، نماز، روزه، زکات، حج، و جهاد، مطابق آیات الهی (النساء: ۵۹)، در گرو ولایت اوست (الکرمانی، ۱۹۸۷: ۱۸۱). او درجه و میزان تعادل ایمان، قلب، جسم، و عقل کامل است. او وارث علم باطنی پیامبر (ص) و دانای ظاهر و باطن معانی قرآن و شریعت اسلام است (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۷۲). امام باب رحمت است و بی او درهای توبه بسته است (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۲۹). قاضی نعمان، متأله اسماعیلی (م ۳۶۳ ق)، معتقد است امام همان کسی است که حلال را حلال و حرام را حرام می‌کند. او برپاکنده حدود الهی است (همان: ۶۰). طبق آموزه‌های متکلمان اسماعیلی همه خطا پذیران دنیوی نیازمند ارشاد امام‌اند. راهیابی به بهشت فقط به اذن امام میسر است (ابن هانی، ۱۹۹۴؛ همان: ۷۳). او باب رحمت خدا (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۲۹) و اسباب شفاعت و مغفرت است (همان: ۳۰). امام نگاهبان شریعت، وارث نبوت، و هدایت‌کننده انسان‌ها به صراط مستقیم است (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۸۶؛ رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۹). او باب‌الحوایج و در گشوده‌ای برای حاجتمندان (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۴۸۸) و اساس رحمت و نعمت خدا بر خلق است (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۴۲). او زمام دین و نظام مسلمین، صلاح دنیا، و عزت مؤمنین، و به‌طور کلی اساس اسلام و فروع آن به‌شمار می‌آید (ماجد، ۱۹۸۵: ۷۳).

در آموزه‌های اسماعیلیه امام یگانه کسی است که گشاینده در دنیای پر رمز و راز شریعت است و غموض و باطن دین فقط در او پاسخ می‌یابد. امام یگانه کسی خواهد بود که می‌تواند حق باطن را ادا کند و خواسته‌های عقل محض را با قوانین ظاهری، که همه اقتدار جامعه در آن متجلی است، سازش دهد (هاجسن، ۱۳۶۹: ۱۳-۱۴). مطابق با آموزه‌های اسماعیلیان، امام برگزیده خداوند تبارک و تعالی بر روی زمین است و هرگز منتخب مردم نیست (ابن الولید، بی تا: ۱۰۰؛ الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۵-۱۰۸؛ ابن خلدون، بی تا: ۱۹۶-۱۹۷؛ الشیال، ۲۰۰۲: ۲۱۵). بر این اساس، امت مسلمان داور اعمال و رفتار او نیستند و نمی‌توانند امام را نقد کنند، همان‌گونه که نقد افعال و کردار و اقوال پیامبر (ص) به‌عنوان مظهر اراده الهی و جانشین خدا بر زمین خطاست و پذیرفتنی نیست، رفتارها و اقوال امام هم قابل نقد نیست. این در حالی است که براساس ضرورت وجوب امام در آرای

اسماعیلیه، وظایف امام از همان ضرورت تداوم وظایف عقیدتی، تبلیغی، و حکومتی پیامبر (ص) ناشی می‌شود (ابن الولید، بی تا: ۶۸)؛ به همین دلیل، بدون انتصاب امام معصوم مبرا از کبایر و صغایر (ابن خلدون، بی تا: ۱۹۶) وظایف نبی استمرار نخواهد یافت و شریعت معطل خواهد ماند (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۶)؛ زیرا امام همه وظایف پیامبرانه را، مگر ابلاغ، وحی دارد. به همین دلیل، امام ادامه‌دهنده راه رسول خدا (ص) و پیوسته و متصل به اوست. اتصال و پیوستگی امام به نبی موجب شده است تا او معلم شریعت و مفسر شرع و منبع همه علوم (ابن الولید، بی تا: ۶۵، ۸۸؛ الکرمانی، ۱۹۸۷: ۴۲؛ ابن الطویر، ۱۹۹۲: ۳۹) و خزانه حکمت به‌شمار آید (ابن الولید، بی تا: ۸۴؛ الشیال، ۲۰۰۲: ۲۳۵). مقام ناطق در عالم دین به واسطه امام محفوظ می‌ماند، زیرا صاحب شریعت اسرار دین را به او ودیعه داده است (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۵۷۴-۵۷۵)؛ از این رو، امام معنای باطنی همیشه ثابت احکام و قوانین شریعت را می‌داند. او آگاه از کنه دین و دانای کلام الهی و فرائض عبادی و حدود شرعی است؛ به همین دلیل، امام منصوص یگانه حلقه واسط میان مراتب علوم الهیه و اهل تأویل (امامان) برای بیان جنبه باطنی نبوت است. ائمه یگانه حافظان علم و حکمت حقیقی‌اند. آنان از طریق داعیان عالم خود علم و حکمت ودیعه نهاده‌شده الهی را در همه جا منتشر می‌کنند (هالم، ۱۳۷۷: ۲۶). بدین ترتیب، آنان بر این باورند که زمین هرگز از وجود امام خالی نخواهد بود (القریشی، بی تا: ۳۴۱) و می‌بایست همواره امامی زنده و فعال در عرصه دینی حضور داشته باشد (طوسی، ۱۴۱۳: ۸۵؛ همدانی، ۱۳۸۸: ۱۶). این حضور جدی و کارآمد مستلزم این است که تمامی صفات و ویژگی‌های لازم از امام پیشین به امام بعدی منتقل شود و از آن‌جا که کمال امام در دیگری جز امام پدید نمی‌آید، هرگاه امام درگذرد، روح او به امام دیگری منتقل می‌شود تا آن کمال در وی پدید آید (ابن خلدون، بی تا: ۱۹۸). با این توضیح، نزد اسماعیلیان معمولاً امامت بالاترین مرجع جهان خاکی به‌شمار می‌آید. وقتی امام باشد دیگر به وصی یا اساس و ناطق نیازی نیست، زیرا ناطق و اساس عموماً هر هزاره‌ای یک بار ظهور می‌کند و همیشه وجود ندارند (واکر، ۱۳۷۷: ۱۰۸؛ هاجسن، ۱۳۶۹: ۲۷).

مطابق این ممیزات، امام اسماعیلی می‌بایست دارای صفات و شرایطی باشد تا ضمن کسب مشروعیت بتواند مقبولیت خود را نیز در جامعه احراز کند (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ج ۱، ۴۶). در میان شروط امامت دارا بودن اصل نص (القلقشندی، بی تا: ج ۳، ۲۴۳)، آن هم نصی صریح و روشن (الشیال، ۲۰۰۲: ۲۱۵) ضروری بود، تا بتواند تداوم سلسله امامان فاطمی و احراز قدوسیت اهل بیت و انتقال سایر صفات الهی به‌شکل موروثی از رسول

خدا (ص) به نخستین آن‌ها یعنی امام علی (ع) و از طریق او به آخرین آن‌ها را فراهم آورد (همان: ۲۲۸). اثبات نص با دلایل قرآنی و روایی (همدانی، ۱۳۸۸: ۸۳)، که عمده‌تاً همان مستندات دانشمندان شیعه امامیه است، از یک سو و تأکید بر قاعده لطف^۱ از دیگر سو در گفتمان مسلط متکلمان اسماعیلی منعکس و مندرج است. امامت منصوب الهی به مثابه لطف متکی بر قاعده‌ای عقلی^۲ بر ضرورت وجوب امام صحه می‌گذارد و به موجب آن امام تقدسی دوچندان می‌یابد. این تقدس از یک سو ضرورت شناخت امام را ایجاب می‌کند، یعنی هرکس بدون شناخت امام زمان خویش بمیرد به مرگ جاهلی مرده است (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ج ۱، ۲۵ و ۲۷؛ التمیمی المغربي، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۲-۵۱۳؛ الشیرازی، ۱۹۹۴: ۲۷۶؛ القریشی، بی‌تا: ۳۴۱؛ القلقشندی، بی‌تا: ج ۱۳، ۲۴۲) و از دیگر سو مطابق آیات قرآنی (النساء: ۵۹) امام ساحتی واجب‌الاطاعه می‌یابد (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۶۵؛ الشیرازی، ۱۹۹۶: ۷۱؛ ابن الولید، بی‌تا: ۹۰؛ الشیرازی، ۱۹۴۹: ۲۶)، که این یعنی اطاعت از اولی‌الامر در کنار اطاعت از خدا و پیامبر (ص) و اولی‌الامر همان امامان و اهل بیت‌اند (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۱۲، ۳۰). منابع اسماعیلیه این مطلب را با روایت امام صادق (ع) تأیید و تکمیل کرده‌اند (همان: ۶۵).

با این توضیح، امام اسماعیلی مدعی نص و نصب الهی به عنوان وصی امام پیش از خود دارای مرجعیت مشروع دینی (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۸۰-۸۱) و راهبری سیاسی است (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۳۷۳؛ ۵۷۴-۵۷۵؛ الشیال، ۲۰۰۲: ۲۳۹). بر این اساس، متکلمان و پیروان آنان معتقدند که فقط امامان فاطمی امامان حقیقی امت اسلامی (هالم، ۱۳۷۷: ۲۶) و خلیفه علوی معصوم، مشروع، محق، و اسوه حسنه‌اند (الشیال، ۲۰۰۲: ۲۴۲) و خلفای اموی و عباسی غاصبانی بیش نیستند (تاریخ/اسلام، ۱۳۷۸: ۲۵۵).

در زمره دیگر صفات امام، افزون بر نص، احراز اعلیت هم برای ائمه اسماعیلی تعیین‌کننده است. این ویژگی هرچند به ظاهر در شمار باورهای مشترک میان اثنی عشریه و اسماعیلیه قرار دارد، اما در میان فرقه اخیر گاه معنایی فراتر و متفاوت‌تر از امامیه یافته است و در چمبره مبالغه گرفتار آمده است. براساس باورمندی به اعلیت، متکلمان اسماعیلیه معتقدند امام منصوب فاطمی در جایگاه میراث‌بر نبی دانای علم لدنی (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۲۳۱؛ کرمانی، ۱۹۸۳: ۵۷۵) و علوم الهی (أربعة کتب/اسماعیلیه، ۲۰۰۲: ۳۷) است. او حافظ و ضابط معنای درونی و باطنی شریعت است، چنان‌که قاضی نعمان المعزالدین الله (م ۳۶۳ ق) را دارای علم فطری می‌داند و این‌که او از همه علوم وقت مطلع است (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۱۴۸، ۲۳۱، ۲۳۲).

اسماعیلیان نخستین بر این باورند که شریعت دارای ظاهر و باطن است. نبی یا ناطق موظف به وضع شریعت و ارائه بواطن شریعت به خلائق و نسخ شرع متقدمان خود است و امام یا اساس موظف به وضع تنزیل و بیان تأویل شریعت است (همدانی، ۱۳۸۸: ۱۵). به عبارتی، امام دانای تأویل باطنی تنها راه دریافت و شهود باطن ثابت شریعت و حقایق معنوی آن است. اسماعیلیان فاطمی بر اساس عقیده به وظیفه تعلیم از جانب امام، که به همین دلیل به تعلیمیه یا باطنیه شهرت یافته‌اند (دفتری، ۱۳۷۸: ۷۲-۷۳)، معتقدند. اگر معمار بیان تنزیل و وحی پیامبر (ص) بود، شارح و مفسر عصر تأویل امام است. معماهای بسیار باطن شریعت، که در چمبره ظاهر اسیرند، فقط با دریافت‌های او که به علم و دانش الهی مجهز بود، مکشوف می‌شود؛ زیرا باطن شریعت همواره آشکار و مکشوف نیست (واکر، ۱۳۷۹: ۸۷-۸۸) و دریافت همه آن نیازمند معلمی است که دانای اسرار و رموز الهی باشد. پس تعلیم شریعت بی‌معلم موثق و معتبر و هادی و مفسر مُحَقِّق ره به جایی نمی‌برد (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۲۷۶)؛ زیرا هیچ علمی به جز علم ائمه وجود ندارد. این علم و حکمت الهی از پیامبر (ص) به امام و از او به امام بعدی منتقل شده است (همان). پس از امام داعیان برجسته و حجت‌های منصوب تعلیم‌دیده در محضر امام بار مسئولیت تعلیم و آموزش را بر عهده داشتند (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۹۴؛ واکر، ۱۳۷۹: ۸۰).

افزون بر اعلمیت، دارا بودن امتیاز عصمت هم در زمره دیگر ویژگی‌های امام است (الکرمانی، ۱۹۶۹: ۹۶ به بعد). با مروری بر تاریخ اندیشه‌های کلامی شیعه می‌توان دریافت که همه این شرایط با امتیازات امام شیعه دوازده‌امامی برابری می‌کند. در آرای متکلمان اسماعیلی عصمت مطلق امام فاطمی در سه زمینه تجلی می‌یابد: یکی مصونیت از هر گونه لغزش از خطا در گفتار و کردار و تبیین احکام و دستورات الهی است و دیگری مصونیت امام از ارتکاب گناه کبیره و سرانجام مصونیت از ارتکاب صغیره است. بسیاری از اندیشمندان اسماعیلی مذهب، آن هم در دوره اول خلافت فاطمیان، در باب وجوب عصمت به کفایت سخن گفته‌اند (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۱۸۹ و ۱۹۶؛ الکرمانی، ۱۹۶۹: ۹۶ به بعد؛ السجلات المستنصرية، ۱۹۵۴: ۱۲۳؛ المؤید فی الدین، ۱۹۹۴: ۲۴۳).

از دیگر ویژگی امام اسماعیلی این‌که اساساً وی نمی‌بایست فردی عادی و یا فرهیخته‌ای به مفهوم متعارف باشد، بلکه بایستی دارای ویژگی‌های فوق بشری هم‌چون اعجاز هم باشد. این ویژگی می‌تواند به لحاظ جامعه‌شناسی به عقاید توده خاموش محتوا و سمت و سو دهد (کوزر، ۱۳۷۸: ۱۴۸)، چنان‌که المستنصر در نامه‌ای مطول به علی صلیحی، داعی الدعات یمن، ضمن این ویژگی بر جمیع امتیازات امام فاطمی تأکید می‌ورزد

(السجلات/المستصرية، ۱۹۵۴: ۱۲۳). هم‌معنایی اعجاز و کرامات به‌عنوان تجلی قدرت الهی در امام هم بر وجه معنوی‌اش می‌افزود و هم بیانگر برخورداری از میراث پیامبرانه در سلسله امامان بوده است (التمیمی المغربي، ۱۹۹۶: ۱۸۹). در کنار این کرامات غیب‌گویی و اطلاع دادن از آینده هم می‌توانست مزید بر صفات او قرار گیرد. چنان‌که در منابع تاریخی به این‌گونه ویژگی‌های امام هم اشاره شده است (المؤید فی الدین، ۱۹۹۶: ۲۷۹ قصیده ۳۷؛ ابن خلدون، بی‌تا: ۳۳۴-۳۳۵؛ المقریزی، ۱۹۶۷: ج ۱، ۷۱ و ۲۳۱). هرچند گاه این ویژگی انتسابی می‌توانست موقعیت و جایگاه امام را برکشد و مخاطراتی برای پیروان اسماعیلیه چون غلو فراهم کند.

امامان اسماعیلی برای دعوت خویش از داعیان برجسته و حجت‌های منصوب تعلیم‌دیده بهره می‌بردند که داعی‌الدعات یا حجت‌جزایر، به‌منزله عالی‌ترین رتبه دعوت تعلیمات‌نهایی، خود را در محضر امام می‌دید و بار مسئولیت تعلیم و آموزش را در زمان فقدان امام بر عهده داشتند (التمیمی المغربي، ۱۹۷۸: ۹۴). دیده می‌شود که بعدها در سیر تطور اندیشه اسماعیلیان در سلسله‌مراتب نبی، امام، داعی‌الدعات، و حجت‌تغییراتی صورت گرفت. از جمله تغییر جایگاه امام و حجت نسبت به نبی بود. چنان‌که خواجه نصیرالدین طوسی هنگام تشریح مقامات دینی نزاری در انطباق میان مراتب عالم علوی و دنیوی به‌روشنی تأکید می‌کند که حجت امام لذکره السلام مظهر عقل اول، صورت‌بخش کمال، و مظهر نفس کلی پیغمبر (ع) است (طوسی، ۱۳۶۳: ۱۰۴) و نیز به‌تبع چرخش‌های فکری و فرگشت‌های فرهنگی در دوره‌های بعد، به‌ویژه نزاریان الموت، از شرایط عصمت امام خبری نیست. برای نمونه ناصر خسرو هنگامی که از اختصاصات امام فاطمی سخن می‌گوید کم‌ترین اشارتی به عصمت امام نمی‌کند. وی در ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول» آورده است:

... پس گوییم که او را هفت چیز بیاید تا امامت او را باشد. نخست اشارت و سپردن امام گذشته باید که او را به امامت نصب کند و دیگر نسبت شریف باید که از اهل بیت رسول باشد تا او از دعای ابراهیم بهره‌مند باشد و سه دیگر علم دین بایش که بدان بلند شود درخت امامت، و چهارم باید که پرهیزگار باشد، چنان‌که خدای تعالی گفت: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولیه» ... پنجم باید که جهادکننده باشد ... ششم خصلت‌های نیکو بایش جز امامت چنان‌که اندر پیغامبر بود جز نبوت از خوی نیک تا خدای تعالی مرو را گفت و «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولیه» ... هفتم آن باید که بی‌نیاز باشد از دعوی کردن مر خویشان را از امامت از بهر آن‌که چون او دعوی کند خصم گردد و زیر حکم حاکم آید. آن‌گاه چون او خصم بود حاکم نتواند بودن بلک آن او را گناه باشد که چون ایشان دعوی کند (ناصر خسرو، ۲۵۳۶: ۲۸۱-۲۸۲).

بنابراین با مقایسه آثار متقدم و متأخر اسماعیلیان در خصوص عصمت امام می‌توان به نوسان و افت و خیز اساسی تفکرات آنان درباره جایگاه امام پی برد. همین تفاوت بعدها در دوره‌های مختلف موجبات گرایش‌های غالی گرایانه افراطی در میان پیروان آنها شد. چنان‌که به‌طرزی شگفت‌آور در اندیشه نزاریان الموتی مقام امام نسبت به جایگاه پیامبر ارتقا و اعتلا می‌یابد و حجت نیز هم‌طراز با نبی انگاشته می‌شود. برخی محققان این تغییرات را متأثر از متصوفه دانسته‌اند. هرچند بی‌شک این نحوه نگرش و تلقی ویژه از امام و حجت در اندیشه نزاری تحت تأثیر سقوط فاطمیان مصر و یک نیاز عمومی برای اعتلا بخشیدن به مقام حجت در میان طرفداران دعوت جدید و تفسیر و تحلیل جایگاه آنان بوده است تا بتواند شتاب بیش‌تری به طرح مشروعیت نزاریان ببخشد.

۳. پیوستاری مقام نبوت و مراتب امامت در آرای اسماعیلیه

اساس رویکرد ایدئولوژیک اسماعیلیه سلسله‌مراتبی است. ترسیم این سلسله‌مراتب به انحای مختلف نشان می‌دهد که آنان در مطابقت جایگاه مقامات دینی و دنیوی و یا سلسله‌مراتب انبیا، اوصیا، و ائمه اسماعیلیه سخت کوشیده‌اند. هرچند این رویکرد سلسله‌مراتبی پرفراز و فرود است، اما در میان اندیشمندان اسماعیلی نام حمیدالدین کرمانی به‌عنوان متکلمی برجسته که توانسته است تصویری مشخص از این سلسله‌مراتب و تطبیق آن با مراتب علوی و سفلی ارائه دهد می‌درخشد. در رأس طرح‌واره سلسله‌مراتبی نخست عقل اول یا مبدع اول قرار دارد که همان ناطق یا نبی است. در مرتبه دوم عقل ثانی (فلک الکواکب اعلی)، که دربرگیرنده همه آن‌چه در عالم جسم دوم است و در ترتیب بعد از عالم جسم اول می‌آید و عبارت است از عالم هیولی و صورت، قرار دارد که موسوم به اساس است و این همان جایگاهی است که فقط منحصر به علی (ع) است. در مرتبه سوم هم عقل سوم یا فلک زحل یا متمم اول یا همان امام قرار دارد که هم به علی (ع) و هم به ائمه بعدی از ذریه‌اش اختصاص دارد. پس از این سه مرحله عقول هفت‌گانه، که به باب، حجت، داعی‌البلاغ، داعی‌المطلق، داعی محدود، مأذون مطلق، مأذون محدود، یا مکاسر (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۲۵۶؛ الکرمانی، ۱۹۸۷: ۳۳) اختصاص دارد، قرا می‌گیرد.

در این سلسله‌مراتب علی بن ابی‌طالب (ع) پیوستار نبی اعظم (ع) و تنها وصی و جانشین بلافصل حضرت رسول اکرم (ص) است (همان: ۱۳۸؛ سجستانی، ۱۹۸۰: ۶۸). مقام علی (ع) پس از پیامبر اکرم (ص)، که مقام ناطق شریعت و عقل اول است، قرار دارد و

همه مراتب وصایت، امامت، و خلافت یکجا در علی جمع است (التمیمی المغربي، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۱۶؛ ابن الولید، بی تا: ۷۳). یعنی او جانشین و نماینده وثیق رسول خدا (ص) در دعوت عملی مردم به صراط مستقیم است (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۵۷۴-۵۷۵؛ رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۹). علی در مقام امام یا اساس میراث‌بر ناطق است و بدین واسطه همه امامان بعدی از ذریه علی (ع) و فاطمه (س) از طریق امام حسین (ع) استمرار می‌یابند (ابن الولید، بی تا: ۶۵) و به واسطه نص او در مقام نخستین امام، امام بعدی تعیین می‌شود. به عبارتی، در سلسله مراتب امامان اسماعیلی با پذیرش امام علی (ع) در مقام وصی و امامت امام حسن (ع) به عنوان نخستین امام، امام جعفر صادق (ع) امام پنجم و پسرش اسماعیل وصی او و ششمین امام محسوب می‌شود (القریشی، بی تا: ۳۴۱؛ الشیال، ۲۰۰۲: ۲۳۹). پس از امام یا اساس سلسله هفت‌گانه امامان قرار دارند (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۱۸) که آخرین آن‌ها امام رستاخیز یا قائم یا مقیم نامیده می‌شود.^۳ صاحب وصایت، که همان علی است، وصی بلافصل نبی یا ناطق شریعت به‌شمار می‌آید و در تمام دوره حیات نبی با او و در کنار او به سر برده است (ابن الولید، بی تا: ۶۶). جوهره امام علی (ع) متصل به جوهره پیامبر اکرم (ص) و کمال او مشتق از کمال رسول خدا (ص) است (همان: ۶۵). اسماعیلیان معتقدند که مرتبه وصایت بلافاصله پس از ظهور اسلام به علی (ع) داده شده است (منتخبات/اسماعیلیه، ۱۹۵۸: ۲۲۹).

آن‌ها معتقدند اگر در روی زمین نبی مبلغ الی الله و یگانه «ناطق» فعال بر روی زمین باشد و تنها صاحب شریعت به‌شمار آید، امام جانشین رسول در همه این امور ناطق خواهد بود و به او امام مقیم می‌گویند. رسولان ناطق نزد اسماعیلیه، آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد، و القائم هستند که هر کدام دارای امامی مقیم‌اند که در مقام «وصی» در کنار نبی می‌آموزند و وارث بلافصل پیامبر به‌شمار می‌آیند (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۹۶-۹۷؛ الکرمانی، بی تا: ۲۰۴). همواره اوصیا نخستین امامان هر عصرند. وظیفه مخصوص این دسته ائمه، در مقام امین راز نبوت، دانای علم و حکمت و اسرار دقیقه تأویل است (منتخبات/اسماعیلیه، ۱۹۵۸: ۲۲۹) که ظاهر را به معنی مکتوم یعنی به اصل آن می‌رسانند. در فهرست سلسله مراتب اسماعیلیان وصی به مثابه عقل دوم است که وارث علم لدنی است و وظیفه‌اش تأویل شریعت و برقراری تعادل میان ظاهر و باطن و پیوستگی مقام نبوت و امامت است (کرمانی، بی تا: ۲۰۵؛ منتخبات/اسماعیلیه، ۱۹۵۸: ۲۲۵).

در باور اسماعیلیان ادوار نبوت از هفت دور تشکیل می‌شود و هر مرحله از دوره نبوت، یعنی هر دوره غیبت، به دست یک ناطق و یکی وصی افتتاح می‌شود و یک یا چند دسته

هفت گانه از امامان جانشین آنان می‌شوند (سجستانی، ۲۰۰۰: ۱۷۸-۱۷۹) و سپس آن دوره به وسیله آخرین امام (یعنی قائم) یا امام رستاخیز، که دوران پیشین را خاتمه می‌دهد، پایان می‌پذیرد و پس او امام «مقیم» است، یعنی پیامبر جدید را برمی‌انگیزد. بر این اساس، از نظر اسماعیلیان امامت دارای مراتب پنج‌گانه زیر است:

۱. امام مقیم: او کسی است که پیامبر ناطق را برمی‌انگیزد و این عالی‌ترین درجه امامت است و آن را «رب‌الوقت» نیز گویند؛
 ۲. امام اساس: او وصی و جانشین پیامبر و امین راز و یاور او است و سلسله امامان مستقر در نسل او تداوم می‌یابند؛
 ۳. امام مستقر: همان کسی است که امام پس از خود را تعیین می‌کند. راه تعیین امام از نظر اسماعیلیان دو چیز است: یکی وراثت و دیگری نص امام مستقر؛
 ۴. امام متمم: کسی که ادعای رسالت در آخر دور به او تمام می‌شود و او هفتمین امام در هر دور است و تمام کمالات شش امام قبلی را دارد؛
 ۵. امام مستودع: او به نیابت از امام مستقر به انجام امور امامت قیام می‌کند و حق تعیین امام پس از خود را ندارد. وی را نائب‌الإمام نیز گویند.
- در باور اسماعیلیه دو مرتبه متمم و اساس و یک مقام وصایت در علی بن ابی طالب جمع است (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۹۴).

۴. جایگاه علی (ع) در آرای کلامی اسماعیلیان

پذیرش مرجعیت دینی، پیشوایی مذهبی، و راهبری سیاسی علی (ع) و اثبات حقانیت و جایگاه معنوی او پس از رسول خدا (ص) اساس تکاپوهای فکری متکلمان شیعه بوده و هست. تعداد پرشمار آثار کلامی اسماعیلیه، که گاه با نام «اثبات‌الامامه» نامبر شده‌اند، و یا اختصاص ابواب مطولی در منابع متقدم ایشان به بحث امامت به‌ویژه اثبات حقانیت علی (ع) حکایت از همین بایسته و ضرورت دارد.

بهره‌گیری از آیات و روایات در شناخت امام علی (ع) و تشریح جایگاه ائمه شیعه در آثار کلامی اسماعیلیه در اساس به‌منظور تحکیم مبادی فکری آن‌ها به مقتضای زمان بوده است. آنچه پیش از این آمد حکایت از این دارد که اسماعیلیان جددین هم‌چون شیعیان اثنی عشری علی (ع) را وصی و وزیر رسول خدا (ص) می‌دانند (التمیمی المغربی، ۱۴۲۳: ۲۰۷ به بعد؛ الکرمانی، ۱۴۰۷: ۸۰ و ۹۰) و او را سرسلسله امامان و حجت رسول

خدا (ص) معرفی می‌کنند (ابن منصور الیمن، بی‌تا: ۳۳ و ۶۵) و با قرار دادن وی در مرتبه اساس به‌عنوان جانشین بلافصل رسول خدا (ص) (ابن منصور الیمن، بی‌تا: ۳۱ و ۶۹؛ الکرمانی، ۱۹۸۳: ۲۷۲ و ۲۸۱) در اعتلای باطن و حقایق مکتوم دین نقشی اساسی برای وی قائل‌اند. کرمانی در جای جای *رسالة الوضیة* به نقل از نبی مکرم اسلام (ص) علی را در منصب «قاضی دین» معرفی می‌کند (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۸۱ و ۹۳). در قرائتی مفسرانه از سورة فجر جعفر بن منصور داعی، متکلم یمن، والفجر را رسول خدا (ص) و کیال عشر را امیرالمومنین علی (ع) معرفی می‌کند (ابن منصور الیمن، بی‌تا: ۶۶). همو در مواردی نیز او را مصداق اِرم ذات‌العماد می‌داند (همان: ۶۷). قاضی نعمان هم در ذیل فصلی به نام «ولایة امیرالمومنین و ائمه (علیهم السلام)» در کتاب *دعائم الاسلام* (۱۴۲۶: ج ۱، ۵۰-۶۶) موضوع ولایت امیرالمومنین را در کنار دیگر عبادات عملی فریضه اعلام می‌کند (همان: ج ۱، ۵۰-۵۲) و با تأکید بر ماجرای غدیر خم (همان: ج ۱، ۵۲-۵۳ و ۵۶) و عرضه پاره‌ای از آیات، روایات، و احادیث می‌کوشد حقانیت ولایت علی (ع) را اثبات کند و او را وصی بعد از نبی و مفترض الطاعة معرفی کند (همان: ج ۱، ۵۷؛ التمیمی المغربي، ۱۴۲۳: ۲۰۵-۲۰۷).

به‌رغم سیطره گفتمان عقیدتی در فرهنگ اسماعیلیه، موضوع پذیرش علی (ع) در رویکردی سلسله‌مراتبی درخور توجه و بحث است؛ زیرا پاسخ به این سؤال اساسی که به‌راستی علی (ع) در فهرست ائمه اسماعیلی چه جایگاهی را به خود اختصاص داده است، فقط با بررسی‌های تاریخی و کلامی و کاوش اطلاعات در خلال منابع متقدم مقدور است. با بررسی منابع اسماعیلیه می‌توان جایگاه علی (ع) را، صرف نظر از مقام وصایت و یا وزارت رسول اکرم (ص) (التمیمی المغربي، ۱۴۲۳: ۲۰۷)، در موقعیت اساس هم جست‌وجو کرد (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۹۴). دانسته است که عالی‌ترین رتبه و جایگاه پس از ناطق به وصی (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ج ۱، ۵۶-۵۷؛ الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۵-۱۰۶) و اساس می‌رسد (الکرمانی، ۱۴۰۷: ۹۴) که اصولاً در یک شخصیت آن هم حضرت علی (ع) خلاصه می‌شود (الهندی البهروجی، بی‌تا: ۲۲۵-۲۲۶ و ۲۲۹) و می‌تواند به‌عنوان کانون اتصال میان نبی و امامان بعد از خودش قرار گیرد و وظیفه خطیر تأویل و تفسیر شریعت را تماماً بر عهده داشته باشد. همین انحصار جایگاه او را از سایر ائمه ممتاز کرده است. باور به او و تمسک به نظام معرفتی‌اش پویش صعودی نردبان رستگاری یا همان *سلم النجاة* و عروج نفس انسانی از هستی جسمانی دنیوی به‌سوی آفریدگار هستی را تسهیل می‌کند؛ زیرا این صعود، که متضمن تزکیه نفس آدمی است، بدون درک امام علی (ع) میسر نیست (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۳۳۷). امام علی (ع) در مقام مرجع دینی صاحب یگانه معنای باطنی و

حقیقی وحی و یگانه امامی است که جایگاه اساس را به عنوان هادی بشر در عالی ترین مقام الهی دارد (التمیمی المغربي، ۱۴۲۳: ۲۰۷-۲۰۸).

علی بن ابی طالب (ع) در فرهنگ کلامی اسماعیلیه ضمن بر عهده داشتن رسالت مهم هدایت جامعه و امت اسلامی وظیفه اكمال دین را نیز بر عهده دارد (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ج ۱، ۵۶-۵۷؛ الکرمانی، ۱۹۶۹: ۱۰۵-۱۰۶). برگرفته از این عقیده او معلم دین (ابن الولید، بی تا: ۶۶) آگاه به رموز قرآن (رازی، ۱۳۷۷: ۲۴۸-۲۴۹) و باطن شریعت است و حاکم عادل منصوب الهی پس از رسول خدا (ص) است. وی به مثابه مهم ترین رکن دین نقش مهمی را در این مذهب بر عهده دارد (ابن منصور الیمن، بی تا: ۶۷؛ المؤید فی الدین، ۱۹۹۶: ۷۰؛ ابن خلدون، بی تا: ۱۹۶). از این رو، با قرار گرفتن ولایت علی (ع) در کانون دائرة فرائض دین شیعه به طور عام و اسماعیلیه به طور خاص از سایر فرق اسلامی جدا می شود.

در رویکردی ایدئولوژیک، لزوم وقوف اساس یعنی علی (ع) بر باطن شرایع و دارا بودن توانایی در تأویل یعنی برکشیدن باطن از ظاهر قرآن کریم و توانایی در تفسیر و شرح معانی ظاهری و برکشیدن حقیقت معنوی و عینیت دادن به حقایق الهیه و گذار از حسیات به عقلانیات، او را از مرتبه اساس به مرتبه ای دیگر با وظایفی خطیرتر سوق می دهد. این مرتبه، که در سلسله مراتب اسماعیلیه مهم و بسیار تعیین کننده است، حجت نام دارد. بر این قرار علی بن ابی طالب حجت خدا بر خلق بعد از نبی اکرم (ص) است (التمیمی المغربي، ۱۴۲۶: ج ۱، ۵۶) و مقام و مرتبه حجت در او خلاصه است (ابن منصور الیمن، بی تا: ۶۵). این مقام در شمار مراتبی است که در زمان حیات نبی اکرم (ص) احراز می شود، زیرا علی (ع) پیش از امامتش در کنار رسول خدا (ص) تنها حجت رسول خداست و نه امام که مقام امامت بسته به رحلت رسول خداست. جعفر ابن منصور داعی الدعاه، نامور اسماعیلی یمن، ضمن تشریح مقام حجت و انتساب آن به امام علی (ع) در تفسیر آیه «ولاتحاضون علی طعام المسکین» (فجر: ۱۸) می نویسد: مسکین همان حجت و طعام همان علم باطن است که حجت یعنی علی (ع) آن را از صاحب باطن یعنی حضرت محمد (ص) فرا می گیرد و خود دانای علم باطن و علم تأویل توأمان می شود. بر این اساس، علی در مقام امام عصرش و صاحب تأویل حجتی برای مساکین است و مرتبه حجت او هم چون مأوایی برای مؤمنین و مساکین است تا مردم با علمش آرام گیرند (ابن منصور الیمن، بی تا: ۶۹-۷۰). هرچند این وجه ممتاز در ذریه علی (ع) و فاطمه (س) تداوم می یابد و در این صورت زمین هرگز از حجت خالی نخواهد ماند؛ اما بی تردید تنها حجت خدا بر زمین علی است

که بدیلی برای او در فرهنگ شیعه اسماعیلیه نخستین نبوده است. گفتنی است که رتبه حجت، که از ابداعات شیعیان عصر امام صادق (ع) به شمار می آید، می تواند با شمولیتی فراتر گاه بر نبی یا رسول و یا امام بعد از او هم اطلاق شود (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۵۰)؛ لیکن بعدها در سلسله مراتب دعوت اسماعیلیه از مقام امامت جدا و مقامی شد که به شخصی که بلافاصله بعد از امام قرار می گرفت و در دوره ستر نماینده تام الاختیار امام مستور در میان مردم حاضر و پاسخ گو بود، اعطا شد. بدین ترتیب، می توان تحول و تغییرات مبایی را در مقام حجت در طی ادوار اسماعیلیه (نخستین، مستعلویه، و نزاریه) ملاحظه کرد.

گرچه فراز و فرود در عقاید کلامی اسماعیلیه بسیار است، اما تغییر جایگاه علی در این آرا بطئی و آرام به نظر می رسد. چنان که امام علی (ع) با قرار گرفتن در مرتبه پس از نبوت (ناطق) در موقعیت سلسله مراتبی مقام اساس یا وصی این مقام را فقط به خود اختصاص می دهد و در فرایند تکامل عقاید اسماعیلیه کم ترین تغییر را بر نمی تابد. اما درباره تطابق، جدایی، و یا تلفیق این دو رتبه میان متکلمان اسماعیلی اختلاف نظر وجود دارد (الکرمانی، ۱۹۸۳: ۱۸). چنان که عده ای معتقدند که اساس امام نیست بلکه مرتبه ای بالاتر از امام را دارد (واکر، ۱۳۷۷: ۱۰۸). اینان مرتبه نبوت و رسالت را مرتبه استیاد و مرتبه امامت و وصایت را مرتبه استقرار می دانند. گرچه در میان ادوار نبوت گاهی هر دو مرتبه توأمان نزد نبی گرد آمده و او را در مرتبه ویژه قرار داده است چنان که دو مرتبه استیاد و استقرار نزد حضرت ابراهیم (ع) جمع شد و وی پیش از رحلت این دو مرتبه را در میان فرزندان به ارث نهاد. به گونه ای که مرتبه استیاد را برای اسحق و مرتبه استقرار را برای اسماعیل منظور کرد. بعدها آنان نیز این مرتبه را هم چون پدر میان فرزندان به ارث نهادند و این روند ادامه یافت تا این که سرانجام هر دوی این مراتب بار دیگر نزد عبدالمطلب جد پیامبر (ص) جمع شد و او نیز این دو مرتبه را میان فرزندانش ابوطالب و عبدالله تقسیم کرد. حدیثی منسوب به پیامبر (ص) این موضوع را تأیید می کند، مبنی بر این که: «لَمْ أزل أنا وانت يا علي من نور واحد و تنتقل من الاصلاب الطاهرة الى الأرحام الزكية كلما ضمناً صلب و رحم ظهر لنا قدرة و علم، حتى انتهينا الى الجد الافضل و الاب الاكمل عبدالمطلب فانقسم ذلك النور نصفين في عبدالله و ابي طالب» (الشیرازی، ۱۹۹۶: ۸۰-۸۱). اما پس از وفات ابوطالب و عبدالله آن دو مرتبه میان فرزندان آنان تقسیم شد. تا این که روز غدیر خم پیامبر اکرم (ص) مرتبه استقرار را به پسر عم و داماد خود علی و فرزندان او از نسل فاطمه (س) داد (همان: ۸۱). مطابق با این نظر، بعدها این دو مرتبه بار دیگر نزد امام قائم قیامت جمع می شوند (همان). به همین دلیل می گویند که صاحب مرتبه استقرار هر وصی و ائمه ای از

ذریه اوست که دارای عین فضایل و صفاتی است که برای صاحب مرتبه استیداع مفروض است، مگر در رسالت و نبوت، بنابراین تعریف رسول خدا (ص) وجه الله است و امام علی (ع) نیز به همین صفت موصوف است.

افزون بر جایگاه علی در آرای کلامی اسماعیلیه متعادل، قرامطه به عنوان تندرویان مذهبی مدعیان نواندیش برای علی (ع) جایگاهی متفاوت قائل شده اند. مطابق روایت نویختی علی (ع) به جای حضرت آدم (ع) در سلسله انبیا قرار دارد. بدین ترتیب، جایگاه علی (ع) از حد اساس و وصی به مرتبه ناطق ارتقا می یابد و از مقام امامت به نبوت تغییر جایگاه می دهد. با راه یافتن آرای نصیریان^۲ به میان نزاریان شام و بعدها طیبیه یمن می توان آثار غلوآمیز را درباره علی (ع) در آثار و افکارشان جست و جو کرد.

۵. نتیجه گیری

در یک جمع بندی نهایی از موضوع مورد بررسی می توان چنین دریافت که اسماعیلیه به عنوان یکی از سه شاخه اصلی فرق شیعه، که همه هویت مذهبی و حاکمیت تئوکراسی ایشان با امامت منصوص علی بن ابی طالب (ص) پیوندی ناگسستنی خورده است، توانست پس از رحلت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) علم افتراق و استقلال افراشته با خواندن محمد بن اسماعیل در مقام امام منصوص طریق خود را از اثنی عشریان و زیدیان به دور افکند. مطابق باور شیعی آنان امامت علی بن ابی طالب (ع) به عنوان وصی و جانشین رسول خدا (ص) امری مسلم و قابل اثبات با آیات و احادیث و روایات معتبر است. حاصل تحقیقات نشان می دهد که:

۱. اسماعیلیه با رویکرد سلسله مراتبی تمام وجاهت وصایت و امامت را در امام علی (ع) یک جا جمع کرده است و با خواندن او به عنوان وصی و اساس علی (ع) را از سایر ائمه جدا می کند. این مقام در باور اسماعیلیه فقط منحصر به امام علی (ع) است و هیچ کس به جز او نمی تواند این مقام را داشته باشد. این قرائت نو از جایگاه امام موجب شد که موضوع هفت امامیان به گونه ای متفاوت در میان فرق هم عصر جلوه کند.

۲. بررسی منابع اسماعیلیه نشان داد که علی (ع) در باور اسماعیلیه سر مطلع وجاهت و مشروعیت سیاسی و دینی آنهاست و حب به او و ریسمان ولایتش بنیان دین و قوام آنهاست. بی حب و عشق به ولایت علی (ع) دین داری معنا ندارد. اساساً رمز عبور از عالم دنی به ساحت علوی فقط با پذیرش ولایت علی (ع) امکان پذیر است.

۳. از بررسی‌های به عمل آمده چنین حاصل شد که با چرخش رویکردهای ایدئولوژیک غالبانه در فرهنگ مذهبی اسماعیلیان، علی (ع) گاه در مرتبه ناطق و پیامبران الواعزم قرار می‌گیرد و از جرگه امامان خارج می‌شود. این خروج از منزلت امامت همه اسماعیلیان را شامل نمی‌شود، لیکن این تصور که علی از مقام نبوت فراتر است و اساساً در ترکیب‌بندی سلسله‌مراتبی و نظام معرفتی شناخت او هم‌پایه شناخت خداست دست کم تا پایان دوره نزاری پابرجاست. این تلقی در آثار و منابع متقدم هم مندرج است.

۴. آنچه از بررسی بنیادهای فکری اسماعیلیان نخستین و تطور فرهنگ سلسله‌مراتبی حاصل شد، این‌که به دلیل خارج کردن علی (ع) از زمره امامان منصوص و با جمع معنای ناطق، اساس، وصی، و حجت در وی تلاش شد تا قرائتی نو در خوانش فهرست امامان حاصل شود و دو فرقه مستعلویه و نزاریه در باب نخستین امام دچار افتراق شوند؛ چنان‌که فهرست امامان در نزد مستعلویان با امام حسن (ص) و فهرست نزاریان با نام امام حسین (ع) به عنوان امام مستقر آغاز می‌شود. حال این‌که در نزد نزاریان و حتی قرامطه امام حسن امام مستودع است نه مستقر.

۵. آخرین دستامد پژوهشی این‌که امام علی (ع) در رهیافت‌های فکری و سلسله‌مراتبی اسماعیلیان جایگاهی بس ممتاز و منحصر به فرد دارد که قابل انتقال از وی به سایر ائمه نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. طبق آیین اسماعیلی ضرورت وجوب امامت منصوص الهی با دلایل عقلی و شرعی اثبات می‌شود و دلایل قرآنی و روایی نیز، که عمدتاً همان مستندات دانشمندان شیعه امامیه است، این مدعا را اثبات می‌کنند. هم‌چنین فقهای اسماعیلی چون شیعه امامیه وصایت امام را هم‌چون نبوت ناشی از لطف خداوندی می‌دانند.

۲. امامت نیز لطف است و چون هر لطفی بر خدا واجب است پس مقدمه صغری، که همان لطف است، ضروری است و کبرای قضیه یعنی این‌که انجام هر لطفی بر خدا واجب است که در علم کلام به ثبوت رسیده است (حلی، ۱۹۶۹: ۱۱-۱۲).

۳. اساس و بنیاد نظام اندیشه دینی اسماعیلی در مرحله پیش از فاطمیان مصر پی‌ریزی شده است و بیش‌تر اطلاعات این دوره به دلایل مختلف تاریخی از جمله سری بودن دعوت و ستر ائمه اسماعیلی یا از میان رفته است و یا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. پی‌گیری برخی موضوعات تا حدودی ناممکن می‌نماید و زمانی بر ابهام آن افزوده می‌شود که دریافت هنوز میان محققان

اسماعیلی و فاطمی و فروعیات آن اختلاف نظرهای اساسی در مورد آیین اسماعیلی پیش از فاطمیان وجود دارد (دفتری، ۱۳۸۷: ۷۱-۷۳).
۴. پیروان محمد بن نصیر (م ۲۷۰ ق) و طرفدار الوهیت علی بن ابی طالب (ع).

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن الطویر، ابومحمد المرتضی عبدالسلام بن الحسن القیسرانی (۱۹۹۲ م). *نزہة المقلتین فی اخبار الدولتین*، أعاد بناء و حققه و قدّم له: ایمن فؤاد سیّد، بیروت: الجمعية الامانیة للبحث العلمی ریا، دارالنشر فرانتس شتاينر شتوتگارت.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (بی تا). *المقدمة*، بیروت: دارالفکر.

ابن منصور الیمین، جعفر (بی تا). *کتاب الکشف، تحقیق و تقدیم: مصطفی غالب*، بیروت: دار الاندلس.

ابن هانی الاندلسی، محمد (۱۹۹۴ م). *دیوان*، تحقیق محمد الیعلوی، تونس: دارالغرب الاسلامی.

أربعة كتب / اسماعيلية (۲۰۰۲ م). منقول عن نسخة الخطیة هـ ۷۵ المحفوظة فی مكتبة امبروسیانة میلانو، عنی بتصحيحها: ر. شتروطمان، بیروت: موسسه التور للمطبوعات.

البلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶ م). *کتاب جمل من انساب و الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.

تاریخ اسلام (۱۳۷۸ ش). پژوهش دانشگاه کمبریج، زیر نظر پی.ام هولت و آن.ک.س. لمتون، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۴۱۴ ق). *شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار*، بیروت: دار الثقلمین.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۴۲۳ ق). *المناقب المثالب*، تحقیق: ماجد بن احمد العطیه، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۴۲۶ ق). *الدعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام*، تحقیق و تقدیم و تعریف: عارف تامر، بیروت: دارالاضواء.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۹۷۸ م). *المجالس و المسایرات*، تحقیق الحبيب الفقی و ابراهیم شُبوح و محمد الیعلوی، تونس: مطبعة الرسمية للجمهورية التونسية.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۹۹۶ م). *افتتاح الدعوة*، بیروت: دار الاضواء.

التمیمی المغربي، قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد (۱۹۹۶ م). *الهمه فی آداب اتباع الائمة*، تحقیق: محمد شریف علی الیمنی الحرازی، بیروت: دارالاضواء.

حلی، جمال الدین ابن مطهر (۱۹۶۹ م). *الفین فی امامة امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع)*، قدم له الموسوی الخراسانی، نجف: منشورات المكتبة الحیدریة.

- دفتری، فرهاد (۱۳۷۵ ش). *تاریخ عقائد اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۸ ش) *مختصری در تاریخ اسماعیلیه*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
- رازی، ابو حاتم احمد بن حمدان (۱۳۷۷ ش). *کتاب الاصلاح*، به اهتمام: حسن مینو چهر و مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.
- سجستانی (۱۹۸۰ م). *الاقتحار*، تحقیق مصطفی غالب، بی‌جا: دارالاندلس.
- السجلات المستنصرية* (۱۹۵۴ م). تقدیم و تحقیق عبدالمنعم ماجد، مصر: دارالفکر العربی.
- الشیال، جمال الدین (۲۰۰۲ م) *مجموعه الوثائق الفاطمی، وثائق الخلافة و ولايه العهد و الوزارة*، القاهرة: مکتبه الثقافه الدینیة.
- الشیرازی المؤید فی الدین (۱۹۴۹ م). *سیره المؤید فی الدین داعی الدعاة*، ترجمه حیاته بقلمه، تقدیم و تحقیق: محمد کامل حسین، القاهرة: دارالکاتب المصری.
- الشیرازی المؤید فی الدین (۱۹۹۴ م). *المجالس المؤیدیه، حقق و علق: محمد عبدالغفار*، القاهرة: مکتبه مدبولی.
- الشیرازی، المؤید فی الدین (۱۹۹۶ م). *دیوان المؤید فی الدین*، تحقیق: محمد حسین کامل، بیروت: دار المنتظر.
- طوسی خواجه نصیرالدین ابوجعفر محمد بن جعفر (۱۳۶۳ ش). *روضه التسلیم یا تصورات*، به تصحیح ولادیمیر ایوانف، تهران: نشر جامی، چاپ آفتاب.
- طوسی، خواجه نصیر الدین ابوجعفر محمد بن جعفر (۱۴۱۳ ق). *قواعد العقائد*، مقدمه و تحقیق و تعلیق از علی حسن خازم، لبنان: دار الغربة.
- عبد المنعم ماجد (۱۹۸۵ م). *نظم الفاطمیین و رسومهم فی مصر*، القاهرة: مکتبه الانجلو المصریة.
- علی بن محمد بن الولید (بی‌تا). *تاج العقائد و معدن الفوائد*، تحقیق: عارف تامر، بیروت: دارالمشرق.
- القریشی، ادیس عماد الدین بن حسین (بی‌تا). *عیون الاخبار و فنون الآثار*، تحقیق و تقدیم: مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس سلسله تراث الفاطمی.
- القلقشندی، احمد بن علی (بی‌تا). *صبح الاعشی فی صناعة الانشا*، ج ۹، شرحه و علق علیه و قابل نصوصه محمد حسین شمس الدین، بیروت: دارالفکر.
- الکرمانی، احمد حمیدالدین (۱۴۰۷ ق). *الرساله الوضیة فی معالم الدین و اصوله*، تحقیق و دراسته: محمد عیسی الحریری، کتبت: دارالقلم للنشر و التوزیع.
- الکرمانی، احمد حمیدالدین (۱۹۶۹ م). *المصابیح فی اثبات الامامه*، تقدیم و تحقیق: مصطفی غالب، بیروت: منشورات حمد.
- الکرمانی، احمد حمیدالدین (۱۹۸۳ م). *تحفة المستجیبین، ثلاث رسائل اسماعیلیة*، تحقیق: عارف تامر، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.
- الکرمانی، احمد حمیدالدین (۱۹۸۳ م). *راحه العقل*، تحقیق و تقدیم: مصطفی غالب، بیروت: دارالاندلس.
- الکرمانی، احمد حمیدالدین (بی‌تا). *الریاض*، تحقیق و تقدیم: عارف تامر، بیروت: دارالثقافه.
- الکرمانی، احمد حمیدالدین (۱۹۸۷ م). *مجموعه رسائل الکرمانی*، تقدیم و تحقیق مصطفی غالب، بیروت: المؤسسه الجامعیة للدراسات و النشر.

کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۷۸ ش). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.

المفید، محمد بن محمد بن نعمان (بی‌تا). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، تهران: انتشارات علمیه.
المقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۹۶۷ م). *انعاظ الحنفاء باخبار الفاطمیین الخلفاء*، تحقیق: جمال الدین الشیال، اشراف علی إصدارها محمد توفیق عویضة، القاهرة: المجلس الاعلی للشئون الاسلامیة لجنة إحياء التراث الاسلامی.

منتخبات اسماعیلیه (۱۹۵۸ م). تحقیق عادل القوا، دمشق: مطبعة الجامعة السوریه.
ناصر خسرو (۲۵۳۶). *وجه دین، به تصحیح و تحشیه و مقدمه غلامرضا اعوانی*، مقدمه انگلیسی سیدحسین نصر، تهران: انتشارات انجمن شاهنشاهی فلسفه ایران.

واکر، پل ای. (۱۳۷۷ ش). *ابویعقوب سجستانی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
واکر، پل ای. (۱۳۷۹ ش). *حمیدالدین کرمانی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.
هاجسن، مارشال، گ. س. (۱۳۶۹ ش). *فرقه اسماعیلیه*، ترجمه و مقدمه و حواشی: فریدون بدره‌ای، تهران: علمی و فرهنگی.

هالم، هاینتس (۱۳۷۷ ش). *فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی آنان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: فرزانه روز.

همدانی، خواجه رشید فضل الله (۱۳۸۸ ش). *جامع التواریخ قسمت اسماعیلیان و فامیان و زاریا و داعیان و رفیقان*، بکوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرسی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
الهندی البهروجی، حسن بن نوح (بی‌تا). *کتاب الازهار و مجمع الانوار*، ذیل منتخبات اسماعیلیه، تحقیق عادل القوا، دمشق: مطبعة الجامعة السوریه.

الیعقوبی، احمد بن احمد بن ابی یعقوب، ابن یعقوب بن جعفر بن وهب واضح (بی‌تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.